

## تأثیر برجام بر جایگاه ایران در معادلات غرب آسیا

کابک خبیری<sup>۱</sup>

استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

منوچهر محمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(تاریخ دریافت ۹۶/۱/۳۰ - تاریخ تصویب ۹۶/۲/۲۰)

### چکیده

توافق‌های چند جانبه در بین کشورهای دنیا در ارتباط با مسائل چالش برانگیز معمولاً راه گشای نقش آفرینی طرفین در تحولات پس از چنین توافقاتی است. برنامه جامع اقدام مشترک، حکم چنین ابزاری را برای ایران داشت تا در دوره‌ای که سعی می‌شد ایران با طرح تلاش برای ساخت تسلیحات هسته‌ای به انزوا برده شود، با این توافق به بازیگری موثر در چانه‌زنی بین‌المللی تبدیل شد. برجام حاصل بیش از یک دهه تنش و مذاکرات بی‌نتیجه با طرف‌های غربی بود. ایران در فضای پسا برجام به‌طور رسمی وارد باشگاه اقتصاد و سیاست جهانی و منطقه‌ای شد. این مقاله درصدد پاسخ به این سوال است که تعامل ایران با جامعه جهانی در فضای پس از برجام چه تأثیری بر نقش آفرینی این کشور در غرب آسیا و جهان گذاشته است؟ این مقاله این فرضیه را بررسی می‌کند که ایران در فضای پس از برجام از جایگاه کنترل شده قبلی خارج و به صورت یک بازیگر فعال در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای ایفای نقش نموده و این امر باعث تغییر موازنه قدرت در منطقه به ضرر عربستان و ترکیه گردیده است.

**واژه‌های کلیدی:** برجام، بحران هسته‌ای، موازنه قدرت، غرب آسیا، ایران.

---

Email: khabiri1370@gmail.com

<sup>۱</sup> نویسنده مسئول

فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال دهم، شماره ۲۷، بهار ۱۳۹۶، صص. ۸۳-۱۰۴.

## ۱. مقدمه

تبدیل هر موضوعی در عرصه سیاست به تنش سیاسی، آن را تبدیل به بحرانی فرسایشی در نظام بین الملل می کند. چرا که عرصه سیاست عرصه کشمکش بین بازیگران مختلف است و تداوم بحران گاهی در راستای منافع گروهی از بازیگران نظام است. با پیروزی انقلاب اسلامی، غرب همواره به دنبال طرح مسائل گوناگونی در ضدیت با نظام نوپای ایران بوده است. بزرگ جلوه دادن صدور انقلاب برای کشورهای منطقه و تحمیل جنگ هشت ساله بر ایران، اعمال تحریم‌های اقتصادی، اتهام زنی به ایران در ارتباط با نقض حقوق بشر و حمایت از تروریسم و در نهایت ترسیم برنامه هسته ای ایران به عنوان تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای همه در راستای تقابل با این انقلاب بوده است. بیش از دو دهه پرونده هسته‌ای ایران عرصه وزن کشی منافع بازیگران سیاسی گوناگون در سطح منطقه و جهان بوده است که هیچ منفعتی برای خود ایران در این تعاملات وجود نداشت. اگر چه ایران به توسعه فنی و علمی برنامه هسته‌ای خود مجدانه پرداخت.

رژیم تحریم‌ها و مذاکرات نفس گیر و بی نتیجه حاصلی جز افزایش مداوم انواع تحریم‌ها و پیوستن کشورهای دیگر به آن‌ها ضد ایران نداشت. در نتیجه این چالش، تمام منافع منطقه‌ای و جهانی ایران صرف تقابل آمریکا با این کشور می شد که انزوا و فشار بر ایران را تشدید می کرد. تشدید تحریم‌ها از سوی آمریکا جمهوری اسلامی ایران را در دو راهی سختی قرار داد. در این میان جمهوری اسلامی ایران رویکرد تعاملی با جامعه جهانی در پیش گرفت. این رویکرد که نشانه‌هایش از اواخر دولت احمدی نژاد نمایان گردید به رویکرد اصلی دولت تدبیر و امید تبدیل شد. اتفاق مهمی که در دولت یازدهم در جهت حل و فصل چالش‌های ایران با جامعه جهانی صورت گرفت؛ بازگشت پرونده‌های مهم از شواری عالی امنیت ملی به وزارت خارجه است. این امر توان عمل و مانور وزارت خارجه را برای ایجاد گشایش در روابط ایران با جهان خارج ارتقاء بخشید. بدین ترتیب با مدیریت تیم جدید مسأله هسته‌ای ایران خاتمه و طرفین به چهارچوبی برای ادامه همکاری در حوزه های فنی و اقتصادی دست یافتند.

با توجه به اهمیت این توافق نامه که برگ جدیدی در روابط ایران در سطح منطقه‌ای و جهانی است، ابتدا لازم است به اهمیت برنامه هسته‌ای ایران اشاره شود. پرداختن به این موضوع اهمیت برجام را بیشتر نشان خواهد داد. برجام خود معیاری برای تقسیم دوران قبل و پس از این توافق نامه است. پرداختن به جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای و جهانی قبل از برجام که بیشتر مخلوق چالش‌هایی ناشی از فرسایشی شدن برنامه هسته‌ای بود، اهمیت به نتیجه مثبت رساندن مذاکرات هسته‌ای را نشان می‌دهد. در نهایت به تأثیر برجام بر جایگاه ایران در فضای پسا برجام در معادلات منطقه‌ای و جهانی اشاره می‌شود که خود شامل تأثیرات این توافق نامه در ایجاد و تداوم این فضای جدید است. با توجه به ابعاد امنیتی گوناگون این موضوع، امنیت در مکتب کپنهاگ چهارچوب نظری این مقاله برگزیده شده است.

## ۲. چهارچوب نظری: مکتب کپنهاگ

مکتب کپنهاگ بعد از جنگ سرد، زوایای دیگری از امنیت را که مورد غفلت قرار گرفته بود، برجسته کرد. موضوعات امنیتی را به محور نظامی و جنگ و صلح تقلیل نمی‌دهد و از سوی دیگر مانند نظریه‌های جدید (مانند نظریه‌های انتقادی و پست مدرنیسم) فقط در پی انتقاد و چالش اندیشه‌های قدیمی نمی‌باشد. نظریه امنیتی ساختن که حاصل این مکتب است، به معنای خروج پدیده‌ها از حوزه «سیاست عادی» یا «سیاست‌های عمومی» و وارد کردن آن‌ها به حوزه‌ی امنیتی است (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۱). در چهارچوب این نظریه، امنیت، نه پدیده‌ای عینی و مربوط به خارج، بلکه نتیجه‌ی فرایند اجتماعی خاص می‌باشد. با رد عینی بودن مقوله‌ی امنیت، نظریه‌ی امنیتی ساختن امنیت را موضوعی «بین‌ذهنی»<sup>۱</sup> و «خود مصداقی»<sup>۲</sup> می‌داند. موضوع بین‌ذهنی به این مهم اشاره دارد که امنیت میان ارتباط بازیگر امنیتی ساز و مخاطب او ساخته می‌شود. از نظر مکتب کپنهاگ، مفهوم امنیت تابع روش تفسیری است و معنی آن در کارکرد آن نهفته است و چیزی نیست که بتوان آن را از لحاظ تحلیلی یا فلسفی بر اساس آنچه که باید بهترین باشد،

<sup>1</sup> Intersubjective

<sup>2</sup> Self-Referential

تعریف کرد (Balzacq, 2005: 176-8). نظریه‌ی امنیتی ساختن، معتقد است که امنیتی ساختن هر پدیده شامل سه جزء است: بازیگر امنیتی ساز، پدیده‌ی امنیتی و مخاطب. در این چهارچوب، موفقیت به دو عامل «زبانی - دستوری»<sup>۱</sup> (داخلی) و «زمینه‌ای - اجتماعی»<sup>۲</sup> (خارجی) بستگی دارد (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۴۳). عامل دیگر در موفقیت امنیتی ساختن پرهیز از قرار دادن همه نوع اقدام گفتاری به عنوان پدیده‌ی امنیتی است؛ بنابراین، باید موضوعاتی را امنیتی ساخت که قرار دادن آن در چهارچوب مفهوم «تهدیدات وجودی»<sup>۳</sup> امکان پذیر باشد. بر این اساس، هر مسأله‌ای قابلیت امنیتی شدن را دارد به شرطی که بتوان آن را به نقطه‌ای رساند که به عنوان تهدید وجودی پذیرفته گردد.

از نظر ویور، هر بخشی می‌تواند در هر زمان مهم‌ترین کانون نگرانی‌ها در مورد تهدیدات، آسیب‌پذیری‌ها و دفاع باشد. در چنین حالتی منطق امنیت را می‌توان بدون از دست دادن خاص بودن مفهوم آن بسط داد. سازوکاری که این توسعه را می‌پذیرد و امکان‌پذیر می‌سازد عبارتست از: شناخت امنیت با منطق تهدیدات وجودی و در نهایت، ضرورت اضطرار. مکتب کپنهاگ، امنیتی شدن موفق را در سه عامل خلاصه می‌نماید؛ اول، انطباق پدیده با تهدید وجودی؛ دوم، ضرورت اقدام اضطراری در خصوص برخورد با آن پدیده و به بیان دیگر، فوریت داشتن مواجهه با آن پدیده و در نهایت، تأثیر بر روابط میان واحدها (Waver, 1995: 29-51).

از نظر مکتب کپنهاگ هر کسی می‌تواند هر پدیده‌ای را امنیتی کند. این نگرش خود مولد هرج و مرج است. امکان پایان نیافتن وضعیت امنیتی شده یک پدیده همواره وجود دارد. زیرا بازیگران امنیتی‌ساز متفاوت با جایگاه‌ها و موقعیت‌های متفاوت، دارای علایق، منافع و ارزش‌های متفاوت بوده و از این رو ناامنی بر اثر امنیتی ساختن‌های خودخواهانه همواره تهدیدی جدی برای منافع می‌باشد (بوزان، ۱۳۹۰: ۸۴).

<sup>1</sup> Linguistic - Grammatical

<sup>2</sup> Contextual-Social

<sup>3</sup> Existential Threat

در این راستا، ایران با نظام سیاسی خود همواره از چالش‌گران نظام مبتنی بر دموکراسی آمریکایی بوده است که با واکنش‌های شدید آمریکا مواجه شده است، از جمله تلاش برای تبدیل کردن ایران به یک موضوع امنیتی می‌باشد که برخورد فوری و سریع می‌طلبد. ارجاع پرونده هسته‌ای از آژانس انرژی هسته‌ای به شورای امنیت موفقیت این کشور برای امنیتی-کردن ایران بود که منجر به تشدید تحریم‌ها شد. این اقدام حاکی از این است که آمریکا توانسته است که دیگر دولت‌های تأثیرگذار در مناسبات بین‌المللی را قانع کند فعالیت‌های ایران تهدیدزا است، نه از این جهت که فعالیت‌های هسته‌ای ایران واقعاً واجد تهدید باشد، بلکه از این جهت که آمریکا آن را اینگونه برای دیگر دولت‌ها بازنمایی کرده است؛ بنابراین اجماعی به رهبری آمریکا بر ضد ایران شکل گرفت.

در اثر فرایند امنیتی کردن ایران، دیگر صرفاً آمریکا نیست که تلاش می‌کند ایران را برای جهانیان تهدید جلوه دهد، بلکه سایر دولت‌ها نیز تهدید بودن ایران را بر زبان می‌آورند و دولت‌هایی مانند؛ روسیه و چین با رأی مثبت به قطعنامه‌های شورای امنیت بر ادعای آمریکا صحنه می‌گذارند. هر اندازه آمریکا در بین‌المللی کردن فعالیت‌های هسته‌ای ایران و امنیتی کردن آن موفق بشود به همان اندازه این کشور قادر است دیگر دولت‌ها را در جهت اعمال فشار به ایران با خود همراه سازد و از این طریق به اقدامات خود مشروعیت بیشتری ببخشد. این فرایند امنیتی کردن تدریجی در صورت تداوم می‌تواند به نتایج خطرناکی منجر شود؛ بنابراین ضروری بود مقامات ایران با تمام توان سیاست غیر امنیتی کردن خود را دنبال کنند. برجام حاصل این سیاست بود.

### ۳. اهمیت برنامه هسته‌ای برای ایران

دستیابی به فناوری پیشرفته و سطح بالا برای تسهیل زندگی حق هر مردمی است. تکنولوژی هسته‌ای، اگرچه امروزه با انحراف در مسیر پیشرفت خود توسط برخی کشورها به ابزاری برای تولید سلاح‌های مرگبار تبدیل شده، اما توان تولید پاک‌ترین نوع انرژی جهان را دارد. انرژی حاصل از شکافت هسته‌ای یک قرص سوخت ۱۲ گرمی با غنای ۵/۳ درصد، معادل انرژی حاصل از سوختن یک تن زغال سنگ، یا ۵/۲ تن چوب و یا ۴۷۶ مترمکعب

گازطبیعی است، از این رو میل به دستیابی به این توان ناگزیر است. پیش از پرداختن به اهمیت این فناوری برای ایران لازم است به تاریخچه برنامه هسته ای ایران اشاره شود.

### ۱.۳. برنامه هسته‌ای قبل از انقلاب

دستیابی به توانمندی هسته‌ای در تاریخ چند دهه اخیر موضوعی بوده است که هم در دوره رژیم پهلوی و هم پس از انقلاب مورد توجه کشور بوده است. در واقع تاریخچه گام- برداشتن برای رسیدن به این فناوری نیز در دوران پهلوی دوم و با حمایت کشورهای غربی آغاز شد. ایران برنامه هسته‌ای خود را از اواسط دهه ۱۹۶۰ در زمان پهلوی با حمایت امریکا آغاز کرد. در ۱۹۶۷ آمریکا برای تأسیس مرکز تحقیقات هسته‌ای تهران یک راکتور هسته‌ای تحقیقاتی ۵ مگاواتی برای ایران فراهم کرد. منطق ایران برای آغاز توان هسته‌ای براساس مطالعه دانشگاه استنفورد در سال ۱۹۷۲ بود که «ساخت نیروگاه های هسته ای با توان تولید ۲۰۰۰۰ مگاوات با استفاده از انرژی هسته‌ای را توصیه می‌کرد» (Howard, 2004). در نتیجه آمریکا ایران را به توسعه بخش انرژی غیر نفتی خود سوق داد و اعلام کرد که ایران برای بدست آوردن ظرفیت الکتریکی که موسسه تحقیقاتی دانشگاه استنفورد اعلام کرده بود، نیازمند راکتورهای هسته‌ای است.

جایگاه ایران در آن برهه که در واقع نیابت حضور آمریکا در خلیج فارس را با عنوان ژاندارم منطقه یدک می‌کشید اقتضا می‌کرد این کشور از هر لحاظ در جایگاه برتر قدرت منطقه‌ای باشد، چه بسا بعدها نیز برژینسکی و برخی دیگر از سیاستمداران آمریکایی اعتراف کرده بودند که آمریکا قصد تجهیز شاه به تسلیحات هسته‌ای را نیز داشته است. از این رو با حمایت آمریکا، فرانسه و آلمان شاه، یک برنامه هسته‌ای را برای ساخت ۲۳ راکتور هسته‌ای آغاز کرد که قرار بود در سال ۱۹۹۰ به بهره‌برداری برسند. سه کشور حمایت‌کننده نیز قراردادهایی برای تربیت دانشمندان هسته‌ای ایران به انجام رساندند (غریب آبادی، ۱۳۸۶: ۱۵۱). بخش اصلی این برنامه هسته‌ای شامل ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر در ساحل جنوبی ایران بود.

در سال ۱۹۷۴ سازمان انرژی اتمی ایران تأسیس و «اکبر اعتماد» به ریاست آن منصوب گردید. همچنین مرکز اتمی دانشگاه تهران نیز تحت نظر آن قرار گرفت. متعاقب تأسیس این سازمان، دولت وقت، سرمایه گذاری وسیعی را در جهت رشد سریع علوم و فنون هسته-ای انجام داد. بنابراین ایجاد ۲۳ نیروگاه اتمی با ظرفیت حدود ۲۳۰۰۰ مگاوات، هدف اصلی و اساسی دولت وقت در این دهه بوده است (توکل پور کو خدان، ۱۳۸۸: ۱۱۶). فعالیت های هسته‌ای ایران در پیش از انقلاب با حمایت غرب با دو رویکرد کوتاه مدت و بلند مدت یعنی تولید برق هسته‌ای و دستیابی به چرخه کامل سوخت دنبال می‌شد. جذابیت‌های اقتصادی نیروگاه اتمی ایران برای کشورهای صنعتی گاه تا اندازه ای بود که حتی نگرانی-های راهبردی ناشی از گسترش سلاح‌های هسته‌ای به حاشیه رانده شده بود؛ با این حال وقوع انقلاب اسلامی، آنقدر پر اهمیت بود که نگرش غرب به برنامه هسته‌ای ایران را به طور کامل دگرگون کرد.

### ۲.۳. برنامه هسته‌ای پس از وقوع انقلاب اسلامی

فعالیت‌های هسته‌ای ایران از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون به تناسب اوضاع و شرایط حاکم، فراز و نشیب‌هایی را پشت سر گذاشته است. مرحله اول برنامه هسته‌ای، دوره رکود بود. آلمان‌ها از تکمیل پروژه بوشهر کنار کشیدند و راکتورهای نیمه تمام بر اثر ۶ حمله جداگانه عراق بین سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۷ به شدت صدمه دیدند. مرحله دوم، که مرحله آغاز برنامه هسته‌ای بود، ایران، ابتدا سعی کرد نظر آلمانی‌ها را برای شروع فعالیت هسته‌ای جلب کند. با این حال، تا یک سال بعد از خاتمه جنگ در سال ۱۳۶۸ نه تنها کار نیروگاه بوشهر آغاز نشد، بلکه آلمانی‌ها از ادامه همکاری با ایران انصراف دادند. در نتیجه ایران به روسیه روی آورد و در سال ۱۳۷۳ طی قرار دادی به ارزش ۷۰۰ میلیون دلار، تکمیل واحد اول نیروگاه بوشهر را به روس‌ها واگذار کرد. این قرارداد در اواخر ژانویه ۱۹۹۶ میان سازمان انرژی اتمی ایران و شرکت «اتم استروی اکسپورت» روسیه جنبه اجرایی پیدا کرد (Islam, 2010: 6).

مرحله سوم برنامه هسته‌ای پس از انقلاب را باید خیزش و به عبارتی چالشی شدن این برنامه دانست. در سال ۲۰۰۰ میلادی سازمان منافقین ایران، شواهدی را ارائه کرد که دو کارخانه هسته‌ای بی آنکه به سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای اعلام شوند، تأسیس شده‌اند. آنها مدعی بودند که تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم نطنز و کارخانه تولید آب سنگین اراک بخشی از برنامه سری سلاح هسته‌ای است (قاسمی، ۱۳۸۷: ۶۷). از این رو کشورهای غربی و در رأس آن، آمریکا برنامه هسته‌ای را تبدیل به چالشی ضد ایران کردند.

جورج بوش در ژانویه ۲۰۰۲ در نشست مشترک اعضای کنگره و سنای آمریکا از کشورهای عراق، کره شمالی و ایران به عنوان محور شرارت یاد کرد، که با سلاح‌های غیر متعارف خود امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کنند. رئیس‌جمهور وقت ایران (سید محمد خاتمی) در بهمن ماه ۱۳۸۱ تصمیم ایران مبنی بر دستیابی به فناوری غنی‌سازی اورانیوم اعلام کرد. تداوم فشارها از سوی آمریکا که کشورهای غربی دیگر را نیز در کنار خود داشت، ایران را مجبور کرد قرارداد الحاقی را بپذیرد (رسولی‌ثانی‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۴۵). دولت ایران پس از مذاکرات با وزرای سه کشور انگلیس، آلمان و فرانسه اعلام کرد که، پروتکل الحاقی را پذیرفته و برنامه‌های غنی‌سازی اورانیوم به حالت تعلیق درآورده است.

با روی کارآمدن دولت نهم و دهم، ایران اقدام به فک پلمپ کرد و بار دیگر تنش‌ها بر سر برنامه هسته‌ای بالا گرفت که نتیجه آن تشدید تحریم‌ها، ضد ایران بود. حال، با این همه فراز و فرود یک موضوع، اساساً برنامه هسته‌ای چه اهمیتی برای ایران دارد؟

### ۳.۳. جایگاه فناوری هسته‌ای در قدرت ایران

فناوری هسته‌ای در دنیای کنونی، هم جنبه نظامی و هم غیر نظامی به خود یافته است. اکنون حدود نه کشور در دنیا دارای تسلیحات هسته‌ای هستند که در مجموع بیش از ۱۶ هزار کلاهک هسته‌ای در انبارهای نظامی خود ذخیره دارند. با این حال چنان‌که رهبری انقلاب طی فتوایی حرمت تولید این سلاح را اعلام کردند، برای ایران استفاده‌های غیر نظامی این فناوری مهم بوده است. اکنون در بین همه کشورهای پیشرفته توجه به انرژی پاک در صدر سیاست‌های انرژی قرار گرفته است. به گونه‌ای که بین دارندگان این



تکنولوژی با کشورهای فاقد آن یک شکاف بزرگ علمی وجود دارد که از آن به عنوان باشگاه انحصاری دارندگان چرخه هسته‌ای یاد می‌شود (نصری، ۱۳۸۶: ۸۷).

یک بعد قدرت فناوری هسته‌ای در تولید انرژی‌های پاک را باید در عضویت ایران در پیمان‌های زیست محیطی و به ویژه پیمان کیوتو یافت. اگرچه قدرت‌های بزرگ دنیا خود خالق این پیمان بوده تا انتشار گازهای گلخانه‌ای را به حداقل برسانند، اما نسبت به آن وفادار نبودند. یکی از مهم‌ترین مزیت‌های فناوری هسته‌ای سازگاری آن با محیط زیست و به ویژه منع انتشار گازهای گلخانه‌ای است (Rc.majlis.ir).

اهمیت دیگر استفاده از این تکنولوژی، به شرایط اقتصادی ایران باز می‌گردد. از یک سو ایران در گروه اقتصادهای در حال رشد جهان قرار دارد که نیازمند دسترسی به انرژی‌های ارزان و کم خطر است و از طرف دیگر استفاده از سوخت‌های فسیلی ضمن بازدهی کم، بالا بردن هزینه‌های تولید را به دنبال داشته است. وابسته بودن اقتصاد کشور به بازار انرژی فسیلی خود نوعی آسیب پذیری تلقی می‌شود. نماد بارز این آسیب پذیری در تحریم‌های اقتصادی که بر روی نفت و گاز اغلب تحمیل می‌شود مشهود است. از سال ۲۰۰۲ به بعد رشد سریع اقتصاد جهانی در رشد قیمت سوخت‌های فسیلی تأثیر زیادی داشت و به همان میزان هزینه تولید این سوخت‌ها را نیز افزایش داد. به گونه‌ای که برای کشورهای تولید کننده این سوخت‌ها مصرف بی رویه منابع طبیعی و افزایش وابستگی به اقتصاد جهانی را در پی داشت (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۲).

در همین راستا ما از سال‌های دهه ۱۹۶۰ شاهد رشد استفاده از انرژی هسته‌ای برای تولید برق در جهان هستیم. نمودار زیر گویای این رشد است.



Source: <http://www.aveva.com>



تحریم‌های آمریکا با هدف اجبار ایران به توقف حمایت از تروریسم و کاهش نفوذ خاورمیانه-ای این کشور اعمال می‌شد. از اواسط دهه ۱۹۹۰ تحریم‌ها روی متقاعد کردن ایران در محدود کردن برنامه هسته‌ای خود و تضمین صلح‌آمیز بودن آن متمرکز شده بود. از سال ۲۰۰۶ و به ویژه از ۲۰۱۰ به بعد کشورهای غربی و منطقه‌ای در تعقیب همین هدف به تحریم‌های آمریکا پیوستند (Katzman, 2016: 32).

تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران زمانی تصویب شد که ایران پس از مطرح شدن پرونده هسته‌ای و مذاکرات و تعهدات مختلف به نتیجه قابل توجهی دست نیافت و به موضعی آفندی روی آورد و تعلیق تأسیسات هسته‌ای خود را فک پلمپ نمود. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پرونده ایران را به شورای امنیت ارجاع و این شورا در ۹ مرداد ۱۳۸۵ قطعنامه ۱۶۹۶ را به تصویب رساند. این قطعنامه، مبنای حقوقی برای قطعنامه‌های بعدی شورای امنیت را فراهم نمود. این شورا در ۲ دی ۱۳۸۵ قطعنامه‌ی ۱۷۳۷ را علیه جمهوری اسلامی ایران به تصویب رساند و دامنه فشارها بیشتر شد (fayazmanesh, 2008: 9).

قطعنامه ۱۷۴۷ و ۱۸۰۳ نیز بر پایه‌ی قطعنامه‌های گذشته، علیه ایران تصویب و افراد، تأسیسات، ارگانها و شرکت‌هایی را که به زعم زمامداران شورای امنیت مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران بودند را در فهرست تحریم‌های خود قرار دادند. در نهایت، قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت، علیه ایران در شرایطی تصویب شد که ایران و ترکیه و برزیل (که به نوعی نمایندگی غربی‌ها را برعهده داشتند) به توافقی در خصوص برنامه هسته‌ای رسید و گشایشی در پرونده هسته‌ای محسوب می‌گردید، اما گویا خواستی مبنی بر بسته شدن این پرونده به صورت منطقی از سوی ۱+۵ وجود نداشت (Heeley, Sahay, 2013: 7).

تصویب این تحریم‌ها، ایران را در عرصه منطقه‌ای و جهانی به شدت دچار مضیقه کرد که در حوزه اقتصادی و مالی مشهودتر بود. غرب، برنامه هسته‌ای ایران را خطری برای کشورهای خاورمیانه قلمداد کرد و کشورهای منطقه را نیز به این نگرش سوق داد. به گونه‌ای که بازار فروش تسلیحات آمریکایی در میان کشورهای عرب خلیج فارس رونق بالایی گرفت. برای نمونه؛ امارات متحده به یکی از معترضین اصلی ضد برنامه هسته‌ای ایران

تبدیل شد و با برجسته شدن این برنامه، در خرید تسلیحاتش از آمریکا شاهد رشدی ۵ درصدی بود. به گونه‌ای که تبدیل به بزرگترین خریدار تسلیحات از آمریکا در جهان شد (Zafar, 2012: 3).

در حوزه اقتصادی نیز این فشارها بر ایران بیش از پیش افزایش یافت. با افزایش تحریم‌ها، ایران در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد برای رهایی از آنها طرح دور زدن تحریم‌ها با تمرکز بر همسایگان را در دستور کار قرار داد. امارات متحده عربی و به ویژه امارت دبی اولویت نخست ایران برای کاهش تحریم‌ها بود. البته رابطه تجاری ایران با این دولت حتی قبل از تشدید تحریم‌ها نیز گسترده بود. موضع امارات با وجود فشار تحریم‌ها، کسب حداکثر سود اقتصادی و تقویت موقعیت تجاری خود حتی از راه همکاری با ایران بود و حتی در بیشتر زمان جنگ، صادرات امارات به ایران بیش از صادرات کل دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس بود (Jahani, 2011: 5).

با این حال در ۲۰۱۰ سفیر امارات با حمایت برخی دیگر از دولت‌های عربی همچون عربستان در واشنگتن اظهار کرد که امارات بیشترین خطر را از سوی برنامه هسته‌ای ایران احساس می‌کند و آمریکا حتی با ابزار زور باید مانع توسعه این برنامه شود. یوسف ال اتیبیه<sup>۱</sup>، جمهوری اسلامی ایران را تنها تهدید امارات در منطقه می‌دانست. این دولت حتی انجام یک جنگ پیش‌دستانه از سوی آمریکا علیه ایران را کم‌هزینه‌تر از زمانی دانست که ایران به سلاح هسته‌ای مجهز شود (Sadjadpour, 2011: 17). در اردیبهشت ۱۳۸۵ اعضای شورای همکاری خلیج فارس در کویت پرونده هسته‌ای ایران را برای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نگران‌کننده خواندند، اما موضع برخی از این کشورها از جمله امارات این بود که این نگرانی نباید باعث استفاده از راه‌های غیر صلح‌آمیز برای حل آن شود. در واقع امارات از جمله کشورهایی بود که ایران برای دور زدن تحریم‌ها به آن توجه داشت. حتی کالاهای چینی باید نخست به دبی صادر و از آنجا در قالب صادرات مجدد به ایران فرستاده می‌شد. حجم عظیمی از واردات ایران از امارات را کالاهای سرمایه‌ای و

<sup>1</sup> Youssef al - Otaiba

واسطه‌های تشکیل می‌دهند و این مسئله به اهمیت تجارت ایران و امارات می‌افزاید. حدود ۵۰٪ از کالاهای وارداتی ایران از امارات کالاهای سرمایه‌ای، ۲۵٪ کالاهای واسطه‌ای و ۲۵٪ دیگر به کالاهای مصرفی اختصاص دارد (Habibi, 2010: 5). تحریم‌های اقتصادی، ایران را مجبور به تغییر شرکای تجاری خود کرده است. تغییر روابط تجاری از اروپا به روسیه، چین و امارات در این چهارچوب تحلیلی می‌شود.

تشدید تحریم‌ها، بزرگترین شریک تجاری منطقه‌ای ایران در خلیج فارس را نیز تحت فشار قدرت‌های غربی قرار داد. به طور مثال؛ دبی، محلی برای واردات برخی از تجهیزات اساسی جهت غنی‌سازی اورانیوم بوده و ایران از طریق این امارت اقدام به واردات آنها نموده است (البرادعی، ۱۳۹۲: ۲۰۰). با افزایش تحریم‌ها، حتی امارات نیز وادار شد به آنها بپیوندد. مطابق با قطعنامه ۱۹۲۹، بانک مرکزی امارات به بانک‌های تحت کنترل خود دستور داد دارایی ۴۱ شخص و نیز انتقال پول را به مؤسسات تحریم شده متوقف کنند، که در نتیجه معامله با ایران توسط برخی بانک‌ها بر مبنای دلار و یورو به شدت دشوار شد. به دنبال اجرای این قطعنامه توسط امارات، اداره ۴۰ شرکت ایرانی در امارات تعطیل شد (Jahani, 2011: 8). پس از تشدید تحریم‌ها در سال ۱۳۸۹، آثار آن در روند واردات مشخص است. در این سال واردات ایران، هم از لحاظ وزنی و هم ارزشی کاهش داشته است.

در گزارش به رئیس کمیته امنیت ملی و امور حکومتی ایالات متحده آمریکا که در فوریه سال ۲۰۱۳ توسط سنای آمریکا منتشر شده است، پیرامون تحریم ایران نشان می‌دهد که با افزایش تحریم‌ها میزان تولید نفت ایران نیز کاهش یافت، درحالی‌که تولید نفت کشورهای هم‌تراز ایران رشد داشته است. تولید نفت ایران درحالی‌که در ۲۰۱۰ حدود ۲,۸۰۰,۰۰۰ بشکه در روز بود، تا ۲۰۱۲ به ۲,۴۰۰,۰۰۰ در روز رسید. در همین بازه زمانی نرخ تورم ایران افزایش چشمگیری داشت. به گونه‌ای که از ۱۰ درصد به بالای ۲۵ درصد در ۲۰۱۲ رسید. بر اساس این گزارش نرخ بیکاری در نتیجه تحریم‌ها پیش‌بینی می‌شد نرخ بیکاری به بالای ۱۸ درصد برسد. در حالی که این میزان در ۲۰۱۱ حدود ۱۳ درصد بوده است (GAO, 2013).

با روی کار آمدن دولت روحانی، زمینه برای تداوم مذاکرات سازنده با طرف‌های غربی فراهم شد که در نهایت به برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام منتهی شد. برجام در واقع دوران جدیدی را برای ایران در عرصه منطقه‌ای و جهانی فراهم کرد که به آن اشاره می‌شود.

##### ۵. تأثیر برجام بر جایگاه ایران در معادلات غرب آسیا

در ارتباط با اینکه برجام چه تغییراتی در دیدگاه‌های ایران پدید آورده است، اغلب محققین غربی معتقدند، ایران همچنان به رفتارهای ستیزه‌جویانه خود مانند قبل از برجام ادامه داده است. برخی از کارشناسان و تحلیل‌گران بین‌المللی بر این نظر هستند که برجام سبب هیچ‌گونه تغییری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نشده و هرچند آهنگ و لحن سیاست خارجی ایران پس از برجام تغییر کرده است ولی هرچقدر سیاست خارجی ایران در پسا برجام تغییر می‌کند، بیشتر شبیه پیش از برجام به نظر می‌رسد (Sick, 2016: 4).

کاتزمن نیز معتقد است پس از برجام هیچ علامتی از تغییر در سیاست خارجی ایران دیده نمی‌شود. رویکرد ایران در منطقه مانند گذشته است. تداوم حمایت از بشار اسد، آزمایش موشک‌های بالستیک، خرید سامانه‌های جدید دفاعی از روسیه، تبدیل ایران به بازیگر چالش برانگیز منطقه‌ای، تلاش ایران برای دستیابی به فناوری‌های مدرن موشکی و تحویل آن به متحدان منطقه‌ای‌اش، فعال‌تر شدن گشت زنی نیروی دریایی ایران و انجام اقدامات تهدیدآمیز در خلیج فارس از جمله اقدامات ایران در فضای پس از برجام است که نشان از تداوم روند گذشته سیاست خارجی ایران دارد. ایران می‌تواند از منابع مالی خود برای استخدام مبارزان شیعه مذهب کشورهای مسلمان برای حمایت از بشار اسد و حمایت از مخالفین بحرینی استفاده کرده و می‌تواند به قطب انرژی و تجاری منطقه تبدیل شود؛ به گونه‌ای که توان آمریکا را برای اعمال فشارهای اقتصادی در صورت عدم اجرای برجام تضعیف کند (Katzman, 2016: 8). گری سیک و سیما شاین نیز دیدگاهی مشابه

کاتزمن دارند، البته این نظرات، برداشت غربی‌ها است. برجام بر رفتار سیاست خارجی ایران در منطقه تأثیراتی داشته است.

### ۱.۵. پیامدهای منطقه‌ای برجام برای سیاست خارجی ایران

پیش از برجام نزدیک به یک دهه بخش قابل توجهی از توان دیپلماسی ایران درگیر مسأله هسته‌ای بود که با دستیابی به برجام، ایران از این مسئله رهایی یافته و می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌تری در معادلات سیاسی و بین‌المللی به ویژه در بحران‌های منطقه‌ای ایفا کند. برجام مسأله هسته‌ای ایران را از سیاست خارجی ایران حذف کرد. در واقع آنچه پس از برجام در سیاست خارجی ایران اتفاق افتاده این است که تمرکز دوازده ساله غرب بر فعالیت‌های هسته‌ای که در سیاست خارجی ایران انباشته شده و وقت و انرژی نخبگان فکری و ابزاری کشور را گرفته بود از هم پاشیده است (Irdiplomacy.ir).

از دیگر پیامدهای منطقه‌ای برجام افزایش اهمیت ژئوپلیتیک ایران در غرب است؛ به نحوی که اجرای برجام، زمینه ایجاد ثبات در منطقه در راستای جلوگیری از رشد افراط‌گرایی و تروریسم و حل بحران‌های منطقه‌ای را فراهم می‌کند. اروپا با چالش‌های متعدد امنیتی از جمله موج حمله‌های داعش و سیل مهاجران از منطقه غرب آسیا روبه‌رو است. همگرایی اتحادیه اروپایی در معرض خطر بوده که نمونه آن خروج انگلیس از این اتحادیه است. ایران می‌تواند فرصتی برای اروپا تلقی شود. از این نظر که می‌تواند بازار انرژی این کشورها را از انحصار روس‌ها خارج کند.

تأثیر مستقیم برجام بر افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه به حدی آشکار است که مخالفان منطقه‌ای ایران از جمله عربستان سعودی و رقبای منطقه‌ای نظیر ترکیه به مداخلات و ماجراجویی‌های متقابل نظامی خویش در محیط پیرامونی افزوده‌اند؛ ترجیح می‌دهند که انزوای سیاسی و تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران همچنان پابرجا باشد تا تحولات منطقه را در راستای منافع خویش مدیریت کنند. در واقع افزایش توان بازیگری ایران، ترکیه را واداشته است که بیش از گذشته درصدد احیای هلال اخوانی

در برابر ایران برآید. از این روی این کشور حامی سرنگونی بشار اسد و بازگشت اخوانی‌ها به عرصه قدرت در مصر است (Nytimes.com).

برجام پیامدهای عمیقی بر معادلات منطقه غرب آسیا به ویژه بر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس داشته است. ایران از طریق برجام توانسته است موازنه منطقه‌ای را به نفع خودش بر هم زند. تولید و صادرات نفت ایران به حدود سه میلیون و ششصد هزار بشکه در روز در سال ۲۰۱۷ افزایش می‌یابد. بانک جهانی برآورد کرده است که لغو تحریم‌ها تولید ناخالص داخلی ایران را به حدود ۵/۱ درصد در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ و ۵/۵ درصد در سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸ خواهد رساند. تزریق سرمایه‌های بلوکه شده به اقتصاد ایران؛ این کشور را قادر می‌سازد که توازن منطقه‌ای را به نفع خودش تغییر دهد. در این شرایط ایران بر فراز رقابت‌های ضعیف قرار می‌گیرد (Katzman, 2016: 71).

اجرای شدن برجام با همه تأثیرهای مثبت اقتصادی و ژئوپلیتیک آن برای ایران نزد سعودی‌ها بی‌تردید یک باخت در صحنه معادله‌های منطقه‌ای قلمداد می‌شود و از همین رو عربستان توان نظامی خود را افزایش داده است. اخیراً در گزارش مؤسسه صلح اعلام شد که عربستان با حدود ۸۰ میلیارد دلار خرید تسلیحاتی مقام سوم جهان پس از چین را دارا است. آمریکا بین مه ۲۰۱۵ تا مارس ۲۰۱۶ فروش تسلیحاتی به ارزش ۳۳ میلیارد دلار را به متحدانش در شورای همکاری خلیج فارس تصویب کرده است. بر این اساس عربستان سعودی یک رقابت ایدئولوژیک فرقه‌ای و ژئوپلیتیکی را بر اساس مدل حاصل جمع جبری صفر با ایران به راه انداخته است (Hsu, 2016: 5).

پیامد مثبت دیگر برجام، تقویت محور مقاومت است. با وجود اینکه در نتیجه تحولات پس از برجام بر روند قطبی شدن و پیچیدگی بیش از پیش معادلات استراتژیک منطقه افزوده شده، اما نه تنها دورنمای کلی آن حتی به حد قبل از توافق مبهم و تیره نیست، بلکه برای جمهوری اسلامی ایران بسیار روشنتر از گذشته است؛ زیرا در آن شرایط باید شاهد ضعف روزافزون و تدریجی موقعیت جمهوری اسلامی ایران به عنوان نقطه کانونی محور مقاومت و هم‌پیمانان و در مقابل تقویت روزافزون رقبا و دشمنان آن‌ها در منطقه



بودیم، در حالی که اکنون جایگاه و مسیر پیش روی ایران بهتر و هموارتر از گذشته است (میرحسینی، ۱۳۹۴: ۱۲). از این رو عرصه منطقه‌ای، شاهد روندی امنیتی زدایانه نسبت به ایران خواهد بود، مسأله‌ای که دغدغه مکتب کپنهاگ نیز بود و در چهارچوب نظری بیان شد.

### ۲.۵. پیامدهای بین‌المللی برجام برای ایران

مشروعیت بین‌المللی برنامه هسته‌ای ایران، نخستین پیامد برجام در سطح جهانی بود. لغو شش قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل و ۱۳ قطعنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بسته شدن پرونده ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران در مهم‌ترین نهاد بین‌المللی ناظر بر فعالیت‌های هسته‌ای در جهان که با قطعنامه رسمی این نهاد در تاریخ ۲۴ آذر تأیید شد، مهر تأییدی بر حقانیت و مشروعیت بین‌المللی برنامه هسته‌ای ایران و پایانی بر تصویرسازی‌های نادرست از آن بود. برجام، خود نشانه این بود که ایران به عنوان یک قدرت اثرگذار در سطح بین‌المللی پذیرفته شده است. در دوران جدید، ایران توانست به جهانیان بقبولاند که بازیگری مسئول و توانمند حتی بدون داشتن بمب اتمی و بدون نیاز به داشتن آن است و به همین دلیل بلافاصله پس از اجرای برجام، تهران به محل رفت و آمد هیئت‌های تجاری و دیپلماتیک تبدیل شد (Barzegar, 2016, 43).

برجام در قالب مکتب کپنهاگ رویکردی از امنیتی‌سازی به غیر امنیتی‌سازی داشت و این یک نقطه مثبت است. امنیتی کردن دلالت بر این دارد که چه بسا ما از هر تهدید ساده-ای، یک تحلیل امنیتی بیرون آورده و بدین ترتیب، تهدیدات ساده را تا سطح ملی و تهدید امنیتی بالا ببریم. برای پرهیز از این آفت که خود به تضعیف امنیت ملی منجر شده و یک تهدید به حساب می‌آید، لازم است معیار مشخصی برای تمیز تهدید امنیت ملی از غیر آن داشته باشیم. پس از وضع چنین معیارهایی است که می‌توان تهدیدات امنیتی را از غیر آن جدا ساخت و بدین ترتیب به غیرامنیتی کردن مسائل و موضوعات غیراساسی مبادرت ورزید (بوزان، ۱۳۷۹: ۲۹). در واقع برجام یک چنین معیاری بود که مسأله هسته‌ای را از دغدغه-ای امنیتی به موضوعی فنی تبدیل کرد.

مقامات آمریکایی تخمین زده‌اند که پس از تحریم‌های نفتی، ایران حدود ۱۱ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی از دست داده است. هرچند ایران بالاترین اراده و بیشترین سعی را برای رسیدن به استقلال تکنولوژی در صنعت نفت داشته است؛ اما در زمینه توسعه میدانهای نفتی و گازی جدید و ساخت تأسیسات جدید نفتی به تکنولوژی خارجی که در اختیار شرکت‌های بزرگ نفتی است، وابسته است (آجیلی، ۱۳۹۲: ۶۹).

مجله معتبر Unctad stat ضمن ارائه مطالب مختلف در مورد ایران، به ارائه آمار در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی ایران اقدام می‌نماید. به گزارش این نشریه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران پس از یک دوره رشد، در سه سال ۲۰۱۲، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ در سراسری قرار داشت و به ترتیب با ۴۶۶۲، ۳۰۵۰ و ۲۱۰۵ میلیون دلار دچار افت شدید شده بود (Unctadstat.unctad.org). در چنین شرایطی، با شکل‌گیری توافق برجام از جو امنیتی حاضر بر ایران کاسته شده و همین امر زمینه روانی سرمایه‌گذاری مطمئن در ایران را فراهم خواهد کرد. از طرف دیگر، با لغو تحریم‌ها و امکان مبادلات سیاسی و اقتصادی گوناگون، شرایط برای سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های گوناگون، به ویژه در صنعت نفت و گاز مهیا خواهد شد.

پیرو فضای باز اقتصادی پس از برجام، قراردادهایی به ارزش حدود ۳۰ میلیارد یورو با فرانسه امضا شد. شرکت‌های ایتالیایی به ارزش ۹۳ میلیارد و ۴۴۴ میلیون دلار در حوزه انرژی، زیرساخت‌ها، فولاد و کشتی‌سازی با ایران قرارداد امضاء کردند. مجموع این قراردادهای ثبت شده در دو کشور فرانسه و ایتالیا رقمی حدود ۵۹ میلیارد دلار تخمین زده میشود (Isna.ir).

در واقع غیر امنیتی‌سازی حاصل از برجام چشم‌انداز این موارد را روشن کرده است؛ اقتصاد ایران عرصه رقابت برای سرمایه‌گذاران خارجی را فراهم کرد. برجام تغییر در سیاست خارجی از رویکردی ایستا به فعال را ایجاد کرد و باعث شکوفایی صنعت توریسم با کنار رفتن چتر امنیتی سایه افکننده بر ایران خواهد شد. این توافقنامه همچنین همکاری هر چه

بیشتر با نهادهای بین‌المللی و تغییر در طرز تلقی از ایران را به دنبال دارد. نشانه‌های این امور هم اکنون نیز مشهود است.

### نتیجه‌گیری

به تعویق انداختن برنامه هسته‌ای ایران، توجیه حضور در منطقه غرب آسیا، نا امن جلوه دادن منطقه به منظور فروش تسلیحات، تحمیل هزینه‌های اقتصادی بر کشور ایران و جلوگیری از نفوذ هرچه بیشتر ایران در منطقه را می‌توان به عنوان دلایل اصلی امنیتی-سازي پرونده هسته‌ای ایران دانست. در واقع بازیگری ایالات متحده با اتهام زنی‌های واهی به ایران و ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت و بسیج افکار عمومی، زمینه امنیتی سازی ایران را فراهم کرد. در این حال، ایران برای خروج از حالت امنیتی شده به عنوان بازیگری عقلانی روی به مذاکره می‌آورد که در نهایت، این مذاکره در قالب برج‌ام به بار می‌نشیند و پرونده هسته‌ای، روند غیرامنیتی‌سازی را در پیش می‌گیرد و با توجه به این مسائل، برج‌ام را می‌توان نشان‌دهنده جایگاه پذیرفته شده ایران به عنوان یک بازیگر عقلانی در جامعه بین‌الملل دانست. به طوری که برج‌ام الزام دولت‌های پیشرفته به همکاری با ایران در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای را فراهم کرد.

امضای برج‌ام نشان داد که دنیا نیز علیرغم کارشکنی‌های رژیم صهیونیستی و لابی‌های آن در اروپا و آمریکا و شیطنت ارتجاع منطقه، جایگاه والای ایران را پذیرفته است. دنیای غرب تنها به این بسنده نکرده که دایره تحریمها علیه کشورمان برداشته شود بلکه اکنون نگاه تازه و محترمانه، ارمغانی از سوی جهانیان برای ما صاحبان تمدن کهن است. سیاست خارجی ایران باید از ظرفیت ژئوپلتیک دوران پسا برج‌ام و روابط متعادل با قدرت‌های بزرگ برای رفع تنش‌های منطقه‌ای و پیشبرد رویکرد توسعه‌ای و رونق اقتصادی استفاده کند.

## منابع:

- احمدی، بهزاد. (۱۳۸۷). برنامه هسته‌ای در خاورمیانه. ترجمه مهسا ماه پیشانیان؛ چاپ سوم، تهران: ابرار معاصر.
- البرادعی، محمد. (۱۳۹۲). عصر فریب؛ دیپلماسی اتمی در دوران خیانت. ترجمه فیروزه درشتی و شیما صفایی؛ چاپ اول، تهران: انتشارات ایران.
- بوزان، باری، ویور. (۱۳۹۰). چهارچوبی تازه برای تحلیل امنیت. ترجمه علیرضا طیب؛ چاپ دوم، تهران: مطالعات راهبردی.
- توکل پور کوخدان، محمد هادی. (۱۳۸۸). بررسی حقوقی مسأله هسته‌ای ایران. چاپ دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رسولی ثانی آبادی، الهام. (۱۳۹۰). هویت هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران. تهران: ابرار معاصر.
- عبدالله خانی، علی. (۱۳۸۵). نظریه‌های امنیت. تهران: ابرار معاصر.
- غریب آبادی، کاظم. (۱۳۸۶). پرونده هسته‌ای ایران به روایت اسناد. چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- قاسمی، مهران. (۱۳۸۷). نیم قرن پرونده هسته‌ای ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نصری، محسن. (۱۳۸۶). شکوه ملی در فناوری هسته‌ای. تهران: حدیث راه عشق.
- آجیلی، هادی. (۱۳۹۲). تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر توسعه اقتصادی ایران. راهبرد توسعه. دوره نهم، شماره ۳۶.
- آدمی، علی، (۱۳۹۱). بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه راهبرد. دوره ۲۱، شماره ۶۲.
- رسولی ثانی‌آبادی، الهام و سید محسن میرحسینی. (۱۳۹۴). «بررسی عوامل شکل‌دهنده به سیاست هسته‌ای دولت اعتدال بر اساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا». فصلنامه راهبرد، شماره ۷۴.

- Fayazmanesh, Sasan, (2008). **The United States and Iran: Sanctions, Wars and the Policy of Dual Containment**. Abingdon: Rutledge. Taylor and Francis Group.
- Waver, Ole, Securitization and Desecaritization, in: Ronnie D. Lipchitz, **On Security**, NY: Columbia University press.
- Balzacq, Thierry, (2005), "Three Faces of Securitization: Political Agency, Audience and Context". **European Journal of International Relation**, Vol. 11(2).
- Athar, Zafar. (2013). "Iran's Assertiveness on Disputed Islands Rattles UAE", Available at: [http:// www . icwa.in](http://www.icwa.in).
- Barzegar, Keyhan, (2016), "The Geopolitics of JCPOA", Available at: <http://www.iranreview.org>.
- Dubowitz, Mark. (2015), "Implications of a Nuclear Agreement with Iran", <http://webcache.googleusercontent.com>.
- GAO. (United States Government Accountability Office Report), (2013). "U.S. and International Sanctions Have Adversely Affected the Iranian Economy", accessible at: <http://www.gao.gov>.
- Habibi, Nader. (2010). "The Impact of Sanctions Iran- GCC Economic Relations", accessible at: <http://www.brandeis.com>.
- Heeley, Laicie, Sahay. (2013), "Are Sanctions on Iran Working", accessible at: <http://armscontrolcenter.org/assets/pdfs>.
- Howard, Roger. (2004), "Dealing with Iran's Nuclear Challenge". accessible at: <http://www.antiwar.com/orig/>
- Islam, Thowhidul. (2010), "Iran's Nuclear Policy: Russia's Perspective". accessible at: <http://static.cejiss.org/data/uploaded>
- Jahani, Kosar. (2011), "Sanctioning Iran the View from the United Arab Emirates", accessible at: [http:// fletcher.tufts.edu](http://fletcher.tufts.edu).
- Katzman, Kenneth. (2016), "Iran Sanctions". Accessible at: <https://www.amazon.com/Iran>.
- Sadjadpour, Karim. (2011), "The Battle of Dubai: The United Arab Emirates and the US- Iran Cold War", accessible at: <http://www.carnegieEndowment.org/pubs>.
- <http://euanmearns.com/global-nuclear-power-snapshot>.

- <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/97764>.
- <http://unctadstat.unctad.org>.
- <http://www.aveva.com/EN/group-688>.
- <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1952802>.
- <http://www.isna.ir/news/94110905391>.
- [www.nytimes.com](http://www.nytimes.com).